

## اهمیت مثنوی معنوی برای مردم بوسنی و هرزگوین

منیر در کیچ\*

از قرن پانزدهم میلادی، یعنی از وقتی که عثمانی‌ها وارد بوسنی شدند، اطلاعاتی دربارهٔ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی و شاهکار ادبی او، مثنوی معنوی، در میان مردم بوسنی رواج یافته است. بیشتر لشکریان عثمانی به یکی از فرقه‌های مختلف صوفیانه گرایش و اعتقاد داشتند و بلافاصله پس از فتح شهر یا ناحیه‌ای از نواحی به تصرف درآمده، به ساختن تکیه یا خانقاه مبادرت می‌کرده‌اند؛ بوسنی هم از این قاعده مستثنی نبوده است.

عیسی بیگ اسحاقوویچ، مؤسس شهر سارایوو، در قرن پانزدهم در یک کاروانسرا برای مسافران و تاجران تکیه‌ای ساخت. در وقف‌نامهٔ وی که در سال ۱۴۶۹م. نوشته شده است، عبارتی دالّ بر اینکه این تکیه متعلق به فرقهٔ مولویه است یا فرقه‌ای دیگر نمی‌توان یافت؛ اما با اطمینان می‌توان ادعا کرد که این تکیه متعلق به فرقهٔ مولویه بوده است؛ چون

---

\* استاد زبان فارسی دانشکده فلسفه بوسنی

نسخه‌ای از مثنوی معنوی وجود دارد که دو قرن بعد به دست مردی به نام محمد البوسنوی رونویس شده است. وی در آخرین صفحه این نسخه نوشته است: «این نسخه دلپذیر و کتاب عظیم‌النظیر به مددکاری فیض باری بدین طرز و اسلوب و طرح و طور مرغوب اهتمام یافت به قلم شکسته رقم اضعف‌الفقراء و بنده مولانا درویش محمد المولوی البوسنوی در زاویه‌ی جدیدی که برای درویشان مولویه در محروسه سرای المحمیه بنا و احیا شده و کان ذلک سنه ۱۰۵۸.»

این تکیه از جمله معروفترین تکیه‌های مولوی در بوسنی به شمار می‌آید؛ با وجود اینکه در طول تاریخ چند بار سوخته و ویران گشته، اما باز هم احیا و مرمت شده است؛ تا اینکه در سال ۱۹۵۷ به کلی نابود شد و بعد از آن دیگر بازسازی نشد. جالب است که در این تکیه چماق آخرین «دید»<sup>۱</sup> (did) بوسنیایی نگهداری می‌شده که آن هم از میان رفته است.

از زمان حکومت عثمانی، درویشان فرقه مولویه از بهترین شاعران و نویسندگان بوسنیایی بوده‌اند. برای نمونه نام چند تن از آنها را ذکر می‌کنیم: درویش پاشا بایزیدگیچ (۱۵۵۲-۱۶۰۳ م.)، واقف شهر موستار که در چند قرن اخیر در بوسنی نظیر شیراز زمان حافظ و سعدی در ایران بوده، سرآمد همه شعرا و نویسندگان است. درویش پاشا دیوان شعری به زبان ترکی دارد و نیز دیوانی به زبان فارسی. وی قصد داشته که کتابی مثل مثنوی معنوی به رشته تحریر در آورد، ولی به نتیجه قابل توجهی نرسیده است. وی «دارالمثنوی» را در موستار تأسیس کرده است. پس از وفات او فوزی موستاری تدریس در دارالمثنوی را بر عهده گرفت. درویش پاشا شاگرد احمد سودی، شارح پرآوازه آثار حافظ، سعدی و مولانا است. می‌گویند که شرح سودی بر مثنوی معنوی به اندازه شرح‌هایی که وی برای دیوان حافظ و بوستان و گلستان سعدی نوشته، شهرت نیافته است. دلیل آن این است که این شرح براساس ویژگی‌های زبانی مثنوی معنوی نوشته

۱. کلمه دید به معنی «پیر» در زبان فارسی است.

شرح‌های زیادی بر مثنوی معنوی نوشته شده بود.<sup>۲</sup>

شیخ فوزی موستاری، مؤلف کتاب بلبستان، شیخ مولویان در موستار بود. فوزی مهمترین نویسنده بوسنیایی به زبان فارسی است.<sup>۳</sup> هرگز به ایران مسافرت نکرده، ولی به واسطه مطالعه آثار مولوی، فارسی را خوب آموخته و کتابی ارزشمند تألیف کرده است. در این میان باید از فاضل پاشا شریفویچ نیز ذکر کرد. او دیوان اشعاری به ترکی دارد؛ همچنین ملک موقوفه‌ای را که درآمد آن صرف درس‌های مثنوی معنوی می‌شود، از خود به یادگار گذاشته است.<sup>۴</sup>

مثنوی معنوی در طول قرن‌ها در سارایوو خوانده می‌شده است. در این کشور کسانی با لقب «مثنوی‌خوان» بودند که متن مثنوی معنوی را برای دیگران می‌خواندند و درباره آن توضیحاتی می‌دادند. استاد صالح تراکو از مردی به نام «توکل‌ی ده‌ده» به عنوان اولین مثنوی‌خوان سارایوو ذکر می‌کند.<sup>۵</sup> وی در قرن هفدهم می‌زیسته؛ اما اولین مثنوی‌خوان نبوده است. قبل از او هم مثنوی‌شناسانی در بوسنی وجود داشتند. یکی از آنها سیاهی مصطفی بوشناک است (قرن شانزدهم) که به ابن عربی و مولانا جلال‌الدین علاقه خاصی داشت و به لقب «شارح مثنوی» مشهور بود.<sup>۶</sup>

باید گفت که تنها مشایخ فرقه مولویه مثنوی معنوی را درس نمی‌دادند، بلکه مشایخ فرقه‌های دیگر نیز مثنوی‌خوانان مشهوری بوده‌اند. بنا بر روایات، عالمانی که حتی صوفی نبودند، مثنوی معنوی را شرح می‌کردند. بنابراین می‌توان گفت که تسلط بر زبان فارسی

2. Dr. Hamid Algar, *Perzijska književnost u Bosni i Hercegovini*, Beharistan br. 3-4, 2001., str. 169.

۳. سال گذشته کتاب «از گلستان سعدی تا بلبستان فوزی» به قلم آقای سداد دیزداریچ در انتشارات الهدی چاپ شده است.

4. Salih Trako, *Predavanja a Mesnevije i mesnevihani u Sarajevu*, Anali GHB, 13/14, 1987., str. 223.

۵. همان، ص ۲۲۴.

6. Enes karić, *Reis Džemaludin Čaušević – prosvjetitelj i reformator I*, Sarajevo, Ljiljan, 2002., str. 116.

در سارایوی قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم نشانه‌ای از برتری و مقام عالی اجتماعی بوده است. این زبان، در قیاس با زبان‌های ترکی که بیشتر زبان اداری بوده و زبان عربی که زبان علمی به شمار می‌رفته، زبان ادب و ادبیات بوده است. عالمی به نام امین عیسویچ از هیچ فرقه صوفیانه پیروی نمی‌کرد و مثنوی معنوی را درس می‌داد و زبان فارسی را هم خوب می‌دانست. بعد از وفاتش در سال ۱۸۱۶م، اهالی سارایوو می‌گفتند: وفات یافت عیسوی، تمام شد مثنوی.

پس از فروپاشی دولت عثمانی و روی کار آمدن دولت اتریش، خواندن مثنوی معنوی در بوسنی و هرزگوین همچنان ادامه یافت. تعلیم زبان فارسی و خواندن و شرح مثنوی معنوی در تکیه‌ای که پیش از این ذکر شد، برگزار می‌گردید. معروفترین مثنوی‌خوان در آن زمان رییس العلمای یوگسلاوی<sup>۷</sup>، آقای جمال‌الدین چاوشویچ بود. وی در زمان تحصیل در استانبول با فرقه مولویه آشنا شد. شیخ او حاجی محمد اسعد دده بود و چاوشویچ از او فارسی یاد گرفت و نزد او با رموز مثنوی معنوی آشنا شد. پس از آن به سارایوو آمد، به منصب رییس العلماء رسید و مثنوی‌خوان سارایوو شد. بیست سال در منصب مثنوی‌خوان ماند و به شاگردان و علاقه‌مندان درس داد. علاقه بسیاری به شاهکار مولانا، مثنوی معنوی داشت و بهترین نشانه آن علاقه این است که در بسیاری از سخن‌ها و وعظ‌های خویش ابیاتی از مولانا را متناسب با موضوع مورد بحث می‌آورده است. بعد از وفاتش دوست نزدیک وی، مصطفی مرحمیچ، در خانه خودش مثنوی معنوی را می‌خوانده و شرح می‌کرده است. این مرد آغازگر مراسم «شب عروس» است. شب عروس یادآور شکوه مقام مولانا جلال‌الدین است و هر سال در سالروز وفات وی برگزار می‌شود. عنوان مراسم نیز از یکی از غزل‌های معروف مولوی برگزیده شده است:

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

۷. رییس العلماء شخصی است که کارهای دینی مسلمانان یوگسلاوی (الآن بوسنی و هرزگوین) را بر عهده دارد. او جانشین شیخ‌الاسلام عثمانی بود و اجازت‌نامه از او می‌گرفت. رییس العلماء رابطه مسلمانان یوگسلاوی با دیگر کشورهای تحت سلطنت عثمانی بود.

برای من مگری مگو دریغ دریغ      به دوغ دیو درافتی دریغ آن باشد  
 جنازه ام چو ببینی مگو فراق فراق      مرا وصال و ملاقات آن زمان باشد  
 مرا به گور سپاری مگو وداع وداع      که گور پرده جمعیت جنان باشد

شب عروس رویداد فرهنگی مهمی برای شهر ساریوو است؛ زیرا این شهر را به عنوان یکی از مراکز تصوف در جهان به شمار می‌آورد.<sup>۸</sup> آقای مرحمیچ وصیت کرده است که بعد از وفات وی آقای فیض‌الله حاجی بایریچ مثنوی خوان ساریوو باشد. حاجی بایریچ در سال ۱۹۷۲م. مجله «شب عروس» را بنیان گذاشت؛ این مجله هر سال کمی پس از برگزاری مراسم شب عروس منتشر می‌شود. وی جلد‌های اول و دوم مثنوی معنوی را ترجمه کرده است؛ ترجمه جلد سوم نزدیک به پایان بود که وی در سال ۱۹۹۰م. به جهان دیگر سفر کرد. حاجی بایریچ رباعیات خیام را هم ترجمه کرده، ولی این ترجمه هم هنوز چاپ نشده است.

در سال‌های اخیر مثنوی معنوی، شاهکار ادبیات ایران و جهان، از انگلیسی به زبان بوسنیایی ترجمه می‌شود که متأسفانه ارزش حتی قطره‌ای از ترجمه از روی اصل فارسی آن را ندارد؛ امید است که مثنوی معنوی به زودی از روی اصل فارسی آن به زبان بوسنیایی برگردانده شود.

بدون شک مولانا جلال‌الدین و مثنوی معنوی او مهم‌ترین شاخص‌های رواج زبان فارسی در بوسنی و هرزگوین است. به این ترتیب پیر قونیه دو ملت را که مرزهای سیاسی آنها را از یکدیگر دور می‌کند، پیوندی داده است که تا آخر الزمان گسسته نخواهد شد. به همین دلیل می‌توان گفت که مولوی و بزرگانی مانند وی متعلق به یک ملت نیستند، بلکه به همه ملت‌ها و مردم جهان تعلق دارند.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی